Iranian Sufis and their contributions in Bangladesh

Muhammad Ahsanul Hadi
Tanjina Binte Nur

Abstract

Sufism is the most decorated part of Islamic philosophy and one of the most tolerant concepts of the world. Since the past, Sufism played an important role in propagating and spreading the peaceful religion of Islam in the land of Bangladesh. Great Sufis have come to this land from different holy places and have turned the generous local people into pious people. They have also promoted religious harmony among the locals of Bengal. For this reason, Bangladesh is called the land of 360 saints. Encouraged by the great initiation of Sufism, they have played a leading role in the establishment of Islamic peace in our region. In Bangladesh, Sufism was mostly raised through the saints who originated largely from the Greater Iran region and were highly influenced by Persian literature and Iranian Sufism. Shah Mohammad Sultan Rumi, Khwaja Moinuddin Hasan Chishti (RA), Hazrat Bayezid Bostami (R), Sharfuddin Abu Tawamah (R) are some of the renowned Iranian Sufis who came to Bangladesh in different times with the aim of propagating Islam. This research paper is an attempt to introduce and discuss the role of some noble Iranian Sufis in the spiritual life of Bangladesh.

Key Words: Iranian Sufis, Bangladesh, Tasauf, spiritual practice, propagating Islam

Dhaka University Journal of Persian (Special issue on the occasion of 50 years of Independence of Bangladesh and centenary celebrations of Dhaka University and the Department of Persian Language and Literature), Year: 6, Volume: VII, pp. 47-62, June 2022, Dhaka, Bangladesh. ISSN: 2791-0679
مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا (شمارهٔ ویژه به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال بنگلادش و صدمین سالگرد دانشگاه داکا و گروه زبان و ادبیات فارسی)، سال: ۶، شماره: ۷، ژوئن ۲۰۲۲م.، از صفحه ۴۷ تا ۶۲

صوفیان ایرانی در بنگلادش

محمد احسن الهادی*
تنجینه بنت نور**

چکیده

تصوف آراسته‌ترین بخش فلسفه اسلامی و یکی از متسامح‌ترین مفاهیم جهان است. از زمان‌های گذشته، در سرزمین بنگلادش، تصوف نقش مهمی در تبلیغ و گسترش دین صلح اسلام داشت. صوفیان بزرگ از مناطق مختلف مقدس به این سرزمین آمده و مردم سخاوتمند محلی را به مردمی متدین تبدیل کرده‌اند. آنها هماهنگی و سازگاری مذهبی را هم بین مردمان بنگلادش رواج داده و به همین سبب بنگلادش را «سرزمین سی‌صد و شصت اولیاء» می‌نامند. با تشویق عظیم و بزرگ تصوف، آنها نقش پیشرو در استقرار صلح اسلام در منطقهٔ ما ایفا کرده‌اند. می‌توان گفت که در بنگلادش، تصوف بیشتر از طریق مقدسینی که عمدتاً از منطقه‌ی ایران بزرگ سرچشمه می‌گرفتند و به شدت تحت تأثیر ادبیات فارسی و تصوف ایرانی بودند، مطرح شد. شاه محمد سلطان رومی، خواجه معین‌الدین حسن چشتی (ره)، حضرت بایزید بسطامی (رض)، شرف‌الدین ابو توامه (رض) از صوفیان نامدار ایرانی هستند که در زمان‌های مختلف با هدف تبلیغ اسلام به بنگلادش آمده بوده‌اند. این مقاله‌ی پژوهشی تلاشی است برای معرفی و بررسی نقش برخی از صوفیان بزرگوار ایرانی در زندگی معنوی بنگلادش.

واژه‌های کلیدی: صوفیان ایرانی، بنگلادش، تصوف، تمرین معنوی، ترویج اسلام

مقدمه

انسان‌ها بهترین مخلوق خداوند متعال‌اند. آنها همیشه می‌خواسته‌اند راز خالق خود را بدانند. تلاش همیشگی آنها برای شناخت «مطلق» در تاریخ اندیشه‌ی اسلامی به عنوان *تصوف* شناخته می شود. تصوف نوعی عبادت عرفانی است که راه اتحاد با خدا را به ما می‌آموزد. این قابل تعریف نیست، بلکه روش زندگی است. آیه‌های اسرارآمیز قرآن و حدیث شریف منابع اصلی تصوف هستند.

چگونه اسلام در بسیاری از نقاط خارج از عربستان گسترش یافت و چه کسانی این وظیفه را انجام دادند؟ این پرسش همیشه همواره موضوع مورد توجه دانشمندان تاریخ

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش Email: hadiahsan786@yahoo.com
** محقق پیش دکترا، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش Email: tanjinabnur88@gmail.com

اسلام بوده است. (عزّتی، ۲۰۰۲: ۱۱). از نظر تاریخی بنگلادش در زمان‌های قدیم *بنگال* نامیده می‌شد. بنگال از قرن سیزدهم تا زمان تصرف بریتانیا در اواسط قرن هجدهم تحت سلطه مسلمانان بود (علی، ۱۹۸۵: ۱۳). گرچه معمولا گفته می‌شود که استقرار حکومت مسلمانان در آوردن دین اسلام و تمدن آن در بنگال پیشگام بود، ولی بی‌شک صوفیان بزرگ مشعل‌داران واقعی اسلام در بنگال بودند. تصوف در بنگلادش مستقیماً با ایمان، تاریخ و فرهنگ مسلمانان بنگلادشی مرتبط است. برطبق *ریچارد ام ایتون* (Richard M. Eaton)، تصوف در بنگال با گسترش مرزهای اسلامی از طریق فعالیت‌های کشاورزی، مذهبی و سیاسی، به شیوه‌ای بسیار استثنایی مشارکت داشت (ایتون، ۱۹۹۳:۱۳). در واقع، تا پایان قرن نوزدهم، بعد از اعراب، بنگالی‌ها دومین جمعیت قومی مسلمان در جهان را تشکیل می‌دهند (همان). شرح وقایع مختلفی که در ادبیات شفاهی سنتی بنگال یافته می‌شد نشان می‌دهد که توسعه اسلام در بنگال به دست حضرت شاه‌جلال (ره) - مشهورترین صوفی بنگال از سیلهت (Sylhet) - صورت گرفته است. این اطلاعات از زندگینامهٔ حضرت شاه‌جلال (ره) مضرد که در اواسط قرن نوزدهم (بر اساس نسخه خطی قرن هفدهم که اکنون از بین رفته است) و از ابن بطوطه (مسافری از مراکش که در سال ۱۳۴۴ برای ملاقات با قدیس صوفی شاه‌جلال به سیلهت سفر کرد) تأیید شده است (ایتون، ۲۰۰۱: ۲۶). با پیروی از راهی که حضرت شاه‌جلال نشان داد، صوفیان از عربستان، یمن، عراق، ایران، آسیای میانه و شمال هند، در زمان‌های مختلف تاریخی، در بنگال آمده بودند و به تبلیغ تصوف پرداختند. گرچه صوفیان معروف مناطق مختلف نقش مهمی در گسترش تصوف در بنگال داشته بودند، ولی ما در این مقاله، تنها به آن دسته از صوفیان مشهوری می‌پردازیم که از سرزمین فارس بزرگ یعنی ایران کنونی به اینجا آمده‌اند و نقش قابل توجهی در ایجاد عمل معنوی در این سرزمین داشته‌اند. علاوه بر حضرت شاه جلال (ره)، سایر مقدسین ایرانی که در منطقه‌ی بنگال به عنوان صوفیان نام و آوازه ای یافته اند، از میان آنها حضرت بایزید بسطامی (ر)، حضرت خواجه معین‌الدین چشتی (ر)، حضرت شاه پران (ر)، حضرت شرف‌الدین ابو توامه (ر)، حضرت شاه مخدوم (ر)، حضرت شاه دولا شهید (ر) و حضرت شاه سلطان بلخی (ر) را می‌توان نام برد. در این مقاله در مورد معرفی و سهم آنها در زندگی معنوی بنگلادش صحبت خواهیم کرد.

تاریخچه‌ی مختصر درباب تصوف در بنگلادش

یکی از قابل مشاهده‌ترین تأثیرات اسلام در شبه‌قاره هند، به‌ویژه در بنگلادش امروزی، تعلیم معنوی تصوف است. نمی‌توان گفت که دقیقاً از کدام سال تصوف در بنگلادش ظهور کرد (بریتانیکا آنلاین/صوفیسم). اما از اواسط قرن یازدهم تا قرن هفدهم، اسلام بیشترین گسترش را در این کشور داشته است (بنگلاپدیا آنلاین). قبل از ورود مقدسینِ صوفیان مسلمان، هندویان و بودایی‌ها در بنگال زندگی می‌کردند؛ و اساتید و قدیسین این دو آیین قدیمی از طریق معنویت به مردم محلی درس می‌دادند (خلیل، ۲۰۱۳: ۱۸). اعراب از زمان بسیار قدیم با بنگال روابط تجاری داشتند که بندر *چاتوگرام* (Chattogram)(چاتگام/ چیتاگنگ) بنگال یکی از بنادر اصلی برای ورود به منطقه‌ی شرقی شبه‌قاره بود (همان). بازرگانان عرب از دوران پیش از اسلام از این بندر استفاده می‌کردند. پس از ظهور اسلام این روابط تجاری به دلیل هدف تبلیغ اسلام تقویت شد. آنها در کنار فعالیت‌های تجاری خود به تبلیغ اسلام نیز می‌پرداختند. از اواسط قرن یازدهم تا شش قرن مستقیم، عاما، صوفیان و مقدسین دانشمند از عربستان، یمن، عراق، ایران، آسیای مرکزی و شمال هند به بنگال می آمدند (چودهوری، ۲۰۰۴: ۳۹). در واقع تصوف در بنگال ادامه تصوف در شمال هند بود (رفیق الاسلام، ۲۰۰۹). هنگامی که بنگلادش توسط بختیار خیلجی در سال ۱۲۰۴ به پایان رسید، تبلیغ هر دو فرقه شریعت و ماریفت اسلام همراه با طبقه حاکم تشدید شد، بسیاری از مقدسین به این کشور آمدند و در طول قرن شانزدهم و هفدهم بر تبلیغ اسلام در تصوف در بنگال و تصوف در هند تمرکز کردند (انام الحق، ۱۹۷۵: ۲). در دورهٔ میانه (از قرن پانزدهم تا هفدهم)، سلاطین مستقل بنگال فرصت‌های سخاوتمندانه‌ای را به صوفیان دادند تا بتوانند بطور دائم در مناطق مختلف کشور مستقر بشوند. دخالت صوفیان غیر بنگالی در سیاست کشور بنگلادش از همین عصر شروع شد که دیگر ویژهٔ مهم این زمان بود (عبد الغنی، ۱۹۴۱). برخی از سلطانان مستقل بنگلادش پیروان صوفیان بودند که آن صوفیان به نام پیر معروف بودند. اکثریت این پیران از مناطق ایران بودند با تأثیر ادبیات فارسی و تصوف ایرانی (الاحسن، ۱۹۹۴: ۴۱).

منابع فارسی درباره‌ی تاریخ تصوف در بنگال

منبع اول، کتاب *طبقات ناصری* از ابو منهاج‌الدین عثمان بن سراج‌الدین الجوزجانی است. این اولین نسخهٔ تواریخ مربوط به بنگال است. منبع دوم کتاب *آیین اکبری* از ابول فضل است که به دستور امپراتور بزرگ مغول، پادشاه اکبر، نوشته شده است. جلد سوم این کتاب فصلی به معرفی تصوف اختصاص داده شده است وآنجا شرح برخی از صوفیان

بنگال نوشته شده است. منبع سوم *ریاض السلاطین* از غلام حسین سلیم است که در سال ۱۷۸۸ ه.ق نوشته شده است و خلاصه‌ای از تاریخ سیاسی بنگال را ارائه می‌دهد. منبع چهارم کتابی با عنوان *خورشید جهان* از سید الهی بخش است که تاریخ سیاسی بنگال را در بر می‌گیرد. کتاب آخر *امریت کوند* (Amrit Kund) است؛ ترجمه‌ای از اثر یوگای سانسکریت توسط رکن‌الدین سمرقندی. این کتاب درباب فلسفه‌ی یوگا می‌پردازد (اسماعیل، ۱۹۸۹).

صوفیان ایرانی در بنگلادش

از منابع مختلف تاریخی ثابت شده است که اسلام در بنگال از طریق صوفیان مقدس که از مناطق مختلف آمده بودند، رشد یافت. از دیدگاه ورود صوفیان ایرانی، تاریخ حضور آنان در سرزمین بنگلادش را می‌توان به دوره‌های زیر تقسیم کرد (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۷۱):

- دورهٔ باستان (از قرن یازدهم تا دوازدهم)
- دورهٔ میانه (قرن سیزدهم)
- دورهٔ آخر (از قرن چهاردهم تا پانزدهم)

برطبق منابع تاریخی، اکثر صوفیان معروف ایران در قرن سیزدهم وارد بنگال شده بودند (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۷۱). ما اینجا در مورد معرفی و سهم صوفیان برجسته‌ی ایرانی در بنگلادش را با توجه به این سه دوره بحث خواهیم کرد.

دورهٔ باستان (از قرن یازدهم تا دوازدهم)

شاه سلطان بلخی ماهی سوار (رح)

چند گروه از صوفیان قبل از ظهور قدرت نظامی مسلمانان وارد شبه قاره هند شدند که به بنگلادش هم آمده بودند. شاه سلطان بلخی ماهی‌سوار (ره) یکی از فداکارترین مبلیغان صوفی از قرن دهم و یازدهم و در نیم اول قرن دوازدهم بود که خود را به تبلیغ اسلام در بنگلادش وقف کرده بود (انعام الحق، ۱۹۷۵: ۱۵۴). نام کامل وی *میر شاه سید سلطان محمود بلخی ماهی سوار* (رح) است. درگاه قدس وی در *ماهستنگر* (Mahasthangar)، در شهرستان *بوگرا* (Bogra) وجود دارد (انام الحق، ۲۰۱۵: ۱۴۰). پدرش یکی از پادشاهان بلخ به نام *اصغر* بود. پس از مرگ پدرش او به سلطنت رسید، اما با بیزاری از تجمل زندگی سلطنتی، زادگاه خود را ترک کرد و به دمشق (Damascus) رسید. آنجا شاگرد *شیخ توفیق* شد و نزدیک به سی و شش سال او را خدمت کرد (همان:۱۴۱). پس به دستور شیخ به تبلیغ اسلام در سال ۱۰۴۸ م/ با ۴۳۹ ه. ق به سرزمین بنگال رسید. پشت نام *ماهی سوار* او داستان

جالبی وجود دارد. ماهی سوار کلمه‌ی فارسی است به معنی سواری بر ماهی. چون وی با کشتی تجاری که شکلش مثل ماهی بود از دریا عبور کرد، به نام «*ماهی سوار*» به شهرت رسید. او از وسط *ساندیپ* (Sandwip) به شهر زیبا و شلوغ *هریرامپور* (Harirampur) در داکا آمد و آنجا شاه *بالرام* (Balram) را شکست داد. وزیر شاه آن منطق دین اسلام را پذیرفته بود (خلیل، ۲۰۱۳: ۶۷). سپس به بوگرا آمد و در زمینی که شاه *پرشورام* (Parshuram) به او داده بود، خوابگاهی ساخت. بعدها با شاه پرشورام درگیر شد و او را شکست داد و کشت. ویرانه‌های خیره کننده‌ای که اکنون به نام ماهستنگر شناخته می شوند، یادگارهای شهر باستانی *پوندراواردانا* (Paundravardhana) هستند که سیاح چینی *هیوئن تسانگ* (Hiuen Tsang) در قرن هفتم میلادی آن را بازدید کرد. بنابر این ماهستنگر یکی از باستانی‌ترین مکان‌ها در این قسمت از بنگال است (عزَتی، ۲۰۰۲: ۵۱).

شاه محمد سلطان رومی (ره)

شاه محمد سلطان رومی یکی از نخستین صوفیان بود که در دورهٔ باستان وارد کشور بنگال شد. مرقد مطهرش در اتحادیه *مدنپور* (Madanpur) در ناحیه *نِتروکونا* (Netrokona) قرار دارد. در سال ۱۰۸۲ هجری قمری، *شاه شجاع*، پسر *شاه جهان*، گواهینامه‌ای به زبان فارسی برای شناختن رسمیت اموال معاف از مالیات برای نگهداری حرم شاه سلطان صادر کرد (عبد الکریم، ۲۰۰۶: ۸۸). در این گواهینامه‌ی سلطنتی، گزارش تاریخی ورود او همراه با مرشد خود به مدنپور وجود دارد. حادثه‌ی بلعیدن زهری که شاه کوچ (Koch) در سال ۴۴۵ هجری قمری به او داده بود نیز آنجا مطرح شده است (انام الحق، ۲۰۱۵: ۱۳۸). برطبق *شاشیبوشان داش‌گوپتا* (Shashibhushan Dasgupta)، او اولین عارف صوفی در سراسر شبه قاره هند بود (خلیل، ۲۰۱۳: ۶۹). این صوفی بزرگوار برای خدمت به اسلام در تمام عمرش در این منطقه، در سراسر جهان مسلمانان جاودانه شده است.

دورهٔ میانه (قرن سیزدهم)

همانطور که قبلاً گفتیم، قرن سیزدهم میلادی زمان طلایی زندگی معنوی بنگلادش بود (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۱۴۴). در این دوره بسیاری از صوفیان از مناطق بزرگ فارس به این سرزمین آمده بودند و با برجسته‌ترین ویژگی‌هایی خودشان، اساس هماهنگی جمعی را در زندگی معنوی بنگلادشی‌ها بنا نهادند.

حضرت خواجه معین الدین حسن چشتی (رض)

صفات و ذات چو از هم جدا نمی بینم

به هر چه می نگرم جز خدا نمی بینم

(دیوان خواجه معین‌الدین چیشتی)

خواجه معین‌الدین حسن چشتی (ر) اولین و برجسته‌ترین شخصیت در میان اولیان عرفانی است که در ترویج، گسترش و استقرار اسلام در کشورهای جنوب شرق آسیا به ویژه در هند، بنگلادش، پاکستان و آراکان (میانمار کنونی) سهم ویژه‌ای داشته است. او واعظ، زاهد، عالم دینی، فیلسوف و عارف ایرانی بود که سرانجام در اوایل قرن سیزدهم در شبه قاره هند اقامت گزید و در آنجا طریقه معروف چشتیه عرفان سنی را منتشر کرد (آریا و نگهبان *ادایره‌المعارف اسلامی آنلاین*). بدون هیچ لطف و مساعدت از حاکم محلی، هیچ‌کس دیگری مانند خواجه معین‌الدین نمی‌توانست در چنین مناطق وسیعی در خدمت اسلام باشد.

او در ۹ جمادی الثانی ۵۳۰ ه .ق در روستایی به نام *سنجر* در ناحیه سیستان از پدر خواجه غیاث‌الدین حسن و مادر ام الوراح به دنیا آمد (نظامی *ادایره‌المعارف اسلامی آنلاین*). پدر و مادرش از نوادگان پیامبر اکرم حضرت محمد صلی‌الله علیه و سلم، حضرت امام حسن (رض) بودند (شاه، ۲۰۰۹). در سنین کودکی پدرش به دلیل فضای خصمانه سیاسی، سیستان را ترک کرد و به همراه خانواده به خراسان رفت. معین‌الدین در نه سالگی حافظ قرآن شد و پس دانش مقدماتی تفسیر، حدیث، فقه، علم و معرفت را از علمای خراسان فرا گرفت (نظامی *ادایره‌المعارف اسلامی آنلاین*). در سن ۲۲ سالگی به بغداد آمد و با حضرت عبدالقادر جیلانی (رض) آشنا شد. روزهایی تحصیلی با حضرت جیلانی (رض) معین‌الدین را به شدت تغییر داد (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۱۸). در حین سفر به عراق، معین‌الدین در ناحیه نیشاپور با عارف مشهور اهل سنت خواجه عثمان هارونی (رض) مواجه شد. او شاگردی خواجه عثمان را پذیرفت و به مدت دو دهه با طریقت چشتیه آشنا شد. در سال ۵۸۲ هجری قمری همراه خواجه عثمان به *مکه* و *مدینه* مشرف شد. بعدها حضرت معین‌الدین چشتی (ر) به فرمان معنوی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و به راهنمایی مرشدش عثمان حرونی (ر) در اوایل قرن سیزدهم به شبه قاره هند از میان لاهور (در پاکستان کنونی) در شهر *اجمیر* (Ajmer) هند آمد و خانقاه خود را در آنجا تأسیس کرد (خان، ۲۰۰۴). در آن زمان تعداد مسلمانان هند کم بود و آنها نیز به

صورت پراکنده در نقاط مختلف شبه قاره زندگی می کردنـد. بخـش بزرگـی از آنهـا در بنگال زندگی می‌کردند (الاحسن، ۱۹۹۴: ۵۵). خواجه معین‌الدین چشتی یکی از فـدایی روحانیان برجسته بود که رهبری فتح مسلمانان در شـبه قـاره را بـر عهـده داشـت و پیروزی‌های به دست آمده را تثبیت کرد (همان). او مؤسس، امـام و بزرگ‌تـرین قطـب عقیده چشتیه بود. این طریقـت و پیـروان آن هنـوز در کشـورهای مختلـف از جملـه بنگلادش، هند، پاکستان و افغانستان رواج دارد (رضوی، ۱۹۸۶: ۱۱۶). به کوشش مجدّانه او زمینه برای ورود مقدسینِ صوفیِ مسلمان در منطق بنگال آسانتر شـد. و بـه همـین دلیل به عنوان بهترین صوفی اسلام در شبه قاره مورد احترام است.

حضرت بایزید بسطامی (ره)

حضرت بایزیـد بسـطامی (ره) صـوفی و عـارف مشـهور جهـان اسـت. او بـه عنـوان *سلطان‌العارفین* و یکی از بزرگتـرین پیـروان عقیـده «وحـده الوجـود» معـروف اسـت (چودهوری، ۲۰۰۴: ۲۹). بایزید در یک خـانواده ایرانـی در *بسـطام*، در ایـران بـه دنیـا آمد(Bastamil/ iranica.online).

نام اصلی او *ابو یزید طیفور بن عیسی بن سروشان البسطامی* بود. نام ابو یزید به *بایزید* و قسمت البسطامی به *بسطامی* تغییر یافت و بدین ترتیب در شبه قاره و بنگـال بـه نـام «بایزید بسطامی» معروف شد. او در نیمه اول قرن دوم هجری در اواخر حکومت امویـان (Umayyad) به دنیا آمد. برطبق اکثر تذکره نویسان، وی در سال ۱۳۱ هجری قمری بـه دنیا آمد (عبدالکریم، ۲۰۰۶). پدربزرگش سروشان پیرو دین زرتشتی بـود کـه بعـدا بـه اسلام کروید (عبید الحق، ۱۹۶۹). این نشان می‌دهد که بسـطامی دارای میـراث ایرانـی بوده است. در مورد ورود حضرت بایزید بسطامی (رض) به بنگلادش اختلاف نظر وجـود دارد (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۷۳). بسیاری از مورخان باور دارند که چـون چـاتَوگرام بنـدر بزرگی در مسیر جنوب بود که هند، چین و خاورمیانه را به هم وصل می‌کرد و همچنین از قرن نهم مرکز تصوف برای بازرگانان مسلمان در شبه‌قاره بود، ممکن است که بایزید یـا پیروان او در اواسط قرن نهم در این شهر بندری پا نهادند. بنای یادبودی زیبـا در محـل احتمالی مراقبه او، که اکنون به زیارتگاه بایزید بسـطامی معـروف اسـت، سـاخته شـد (احمد، ۲۰۰۴). آرامگاه واقعی او در بسطام ایـران قـرار دارد. شـاخه *طیفوریـه* از فرقـهٔ *قدیریه* از او سرچشمه گرفته است. اگرچه شواهد تاریخی قابل تـوجهی در مـورد سـفر بسطامی به این منطقه خاص از بنگلادش وجود ندارد، اما هنوز مردم مذهبی این منطقـه حتی امروز از تعالیم معنوی او پیروی می‌کنند. برخی از شاعران بنگالی قرن هیزدهم در

اشعار خودشان از او به عنوان *شاه سلطان نصیرآباد* یاد می‌کردند (چشتی، ۱۹۸۷: ۱۷). تعداد زیادی از زائران روزانه به این زیارتگاه سفر می‌کنند.

شیخ جلال‌الدین تبریزی (ره)

شیخ جلال‌الدین تبریزی یکی از برجسته‌ترین صوفیان قرن سیزدهم بود که در شهر تبریز در ایران امروزی به دنیا آمد. منابع زیادی در مورد او به دست نیست. او از شاگردان *ابو سعید تبریزی* و *شیخ شهاب‌الدین سهروردی* بود (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۵۵). شاید او در اوایل قرن سیزدهم (حدود ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۰ میلادی) به بنگلادش وارد شد (عبدالکریم، ۱۹۹۴: ۱۹۵). بسیاری از مردم منطقه متاثر از خصوصیات والای او و زندگی عمیقاً پرهیزگار ایشان به اسلام گرویدند (چودهوری، ۱۹۹۵: ۶۱). گرچه او در چندین قسمت بنگلادش دین صلح اسلام را ترویج کرد، ولی خانقاه او در مکانی به نام *دئوتالا* (Deotala)، در پانزده مایلی *پاندووا* (Pandua) -که اکنون در بنگال غربی هند است- واقع شده است.

شرف‌الدین ابو توامه (ره)

حضرت شرف‌الدین ابو توامه (ره) از علمای مشهور، محدثی برجسته و صوفی کامل قرن سیزدهم میلادی بود (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۷۵). در قرن هشتم میلادی خانقاه‌ها و مدرسه‌های فرقانیه در مسجدهای بنگلادش تأسیس شده بود؛ ولی موسسه‌ای برای یادگیری و عمل حدیث تا قرن سیزدهم وجود نداشت. حضرت شرف‌الدین ابو توامه (رض) اولین کسی بود که این ابتکار را بر عهده گرفت (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۵۵).

وی در بخارا متولد شد و در خراسان تحصیل کرد و به عنوان فقیه حنفی و پیشوای اسلامی شهرت زیادی یافت (عبدالکریم، ۱۹۹۴: ۱۱۶). وی در سال ۱۲۶۰ میلادی به دهلی (Delhi) آمد و بعد از ۱۰ سال تدریس، در سال ۱۲۷۰ میلادی به درخواست *غیاث‌الدین بلبن* (Giyasuddin Balban) - سلطان دهلی - به شهر سونارگاون (Sonargaon) در بنگلادش (بنگال فعلی) نقل مکان کرد (خان *ابنگلاپدیا* آنلاین) که پایتخت بنگلادش بود. او دید که گرچه مردم علاقه‌مند به کسب معارف دینی هستند، اما اینجا برای تحصیل و عمل الهیات فرصتی رسمی وجود ندارد. با تلاش بی‌دریغ ایشان، برای اولین بار مرکز بزرگ معارف اسلامی در شونارگاون راه‌اندازی شد. این مرکز آموزشی به عنوان بهترین مؤسسه برای عمل به احادیث، شهرت خاصی پیدا کرد (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۵۷). عالم مشهور صوفی *بیهار* (Bihar)، *مخدوم الملک شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری*

(al-mulk Shaykh Sharfuddin Ahmad bin Yahya Maneri Makhdum) تا ۲۲ سال اینجا نزد ابو توامه (ره) تحصیل کرد (خان/بنگلاپدیا آنلاین). او تعدادی کتاب صوفیانه در عرفان و فقه اسلامی - مانند مقامات، نام حق - به زبان فارسی نوشت. ابو توامه (ر) بنیان‌گذار مؤسسه الحدیث در بنگلادش بود. این عالم و صوفی بزرگ در سال ۷۰۰ هجری قمری (۱۳۰۰ میلادی) در شونارگاون درگذشت و در مجتمع *درگاه باری* (Dargah Bari) *مگراپارا* (Mograpara) به خاک سپرده شد (خاتون، ۲۰۰۶: ۷۳).

شاه مخدوم روپوش (ره)

حضرت شاه مخدوم روپوش، نام اصلی او سید عبدالقدوس بود، برجسته‌ترین صوفی ایرانی در بنگلادش بود (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۸۴). در مورد محل تولد دقیق او اختلافی وجود دارد. برخی می‌گویند زادگاه او یمن است و برخی بغداد. اما نظر مشهور این است که او در زمان قدیس معروف عبدالقادر جیلانی (ر) در ایران به دنیا آمده بود. همچنین کلمه «روپوش» که با نام او به کار می‌رود، واژه‌ای فارسی به معنای *صورت پوشیده* است (احمد، ۱۹۷۴: ۱۳۳). برادر بزرگ او صوفی معروف معاصر سید احمد تنّوری (Syed Ahmed Tannuri) ملقب به *میران شاه* بود. شاه مخدوم روپوش با هدف استقرار اسلام و برقراری صلح در سرزمین بنگال، در شهر *راجشاهی* (Rajshahi) در سال ۱۲۹۰ شمسی مطابق با ۶۹۰ هجری قمری آمد (همان: ۱۳۷). ولی قبل از آن، به مدت دو سال (۱۲۸۷-۱۲۸۹م) با برادر بزرگش در شهر *نواخالی* (Noakhali) اقامت داشت (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۸۴). او درگاه خودش را در منطقه مجاور رودخانه *پادما* (Padma) در جنوب شهر راجشاهی تأسیس کرد. او صاحب کرامت‌هایی زیادی بود. بسیاری از مردم پس از مشاهده قدرت عرفانی وی به اسلام گرویدند (احمد، ۱۹۷۴: ۱۳۳). وی در سال ۱۳۲۴ میلادی همینجا درگذشت. یکی از مدیران ایرانی به نام *علی قلی بیگ* (Ali Quli Beg) در سال ۱۶۳۴م بر مزار او آرامگاهی ساخت که هنوز هم در آنجا وجود دارد (دولی، ۲۰۰۱: ۶۲).

دورهٔ آخر (از قرن چهاردهم تا پانزدهم)

حضرت مخدوم شاه دولا شهید (ره)

حضرت مخدوم شاه دولا شهید در اوایل قرن چهاردهم به بنگال آمد ولی تاریخ دقیق ورودی وی مشخص نیست (اسماعیل، ۱۹۸۹). گرچه برخی گمان می‌کنند که او با همراهانش در قرن دوازدهم، قبل از حمله ترکیه به بنگال آمدند (مخدوم شاه/بنگلاپدیا آنلاین)، اما محققان امروزی در این مورد ابراز تردید کرده‌اند؛ زیرا در راه بنگال، با *شاه*

جلال‌الدین بولدیاری (Jalaluddin Buldiari Shah) ملاقات کرده بود که بین سال‌های ۱۱۹۶ تا ۱۲۹۱ میلادی را در برمی‌گیرد و گفته می‌شود که پیر او حضرت شمس‌الدین تبریزی - صوفی معروف فارس و هم پیر مولانا رومی- بود (همان). شمس‌الدین تبریزی هم معاصر زمان مولانا بود. چنین می‌توان استنباط کرد که مخدوم شاه احتمالاً در اواخر قرن سیزدهم میلادی زنده بوده و قبل از قرن چهاردهم به بنگال نیامده و به جرات می‌توان گفت که پس از فتح بنگال توسط بختیار خلجی به این کشور آمده بود (سقلاین، ۲۰۰۳: ۳۹). در ورود او به بنگال و شهادتش در کار تبلیغ اسلام در این منطقه تردیدی نیست. او در *شهزادپور* (Shahzadpur) در ناحیه *پابنا* (Pabna) کنونی ساکن شد و در نبرد با یکی از پادشاهان هندو به همراه چند تن از پیروانش به شهادت رسید. او در زندگی واقعی شاهزاده بود و به همین دلیل این منطقه هم شهزادپور نام گرفت (عبدالرشید، ۱۹۸۰: ۷۳).

حضرت شاه پران (ره)

حضرت شاه پران (ره) یکی از اصحاب صوفی معروف حضرت شاه‌جلال (ره) واعظ اسلام بود که در سال ۱۳۰۳ میلادی به بنگلادش آمد (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۵۰). احتمالا این نام واقعی او نبود. زیراکه او اهل بخارا بود، دیار صوفیان مشهور سرزمین فارس قدیم، اما کلمه پران نه کلمه عربی است و نه فارسی. گمان می‌رود که نام او *فرحان* (از ریشهٔ فارسی به معنای شادی) بود که بعداً به پران (منشأ بنگالی به معنای روح) تبدیل شده است (wikipedia/Shah Poran). برخی دیگر معتقدند که شاه پران مقصود، شاه پیران است به معنای *پادشاه پیرها* (همان). او فرزند خواهر حضرت شاه‌جلال (رض) پیشگام تبلیغ اسلام در بنگلادش- بود. پدرش از علمای برتر بخارا بود و او از طرف مادرش با نسل *قریش* (Quraish) ارتباط داشت (خلیل، ۲۰۱۳: ۲۵۰). او حدیث و فقه را از حضرت کمال‌الدین (رض)- عالم شهیر ایران- یاد گرفت. سپس به *نیشابور* رفت و آنجا به شریعت، معرفت، طریقت و حقیقت شناخت عمیقی یافت (همان). پس از روند طولانی و سخت مراقبه، سرانجام توانست به کمالیات دست یابد (احمد، ۱۹۷۴: ۱۳۶). حضرت شاه پران (رض) در هر مرحله از برافراشتن پرچم اسلام در شمال شرقی بنگلادش یکی از نزدیک‌ترین یاران حضرت شاه‌جلال (رض) بود (بنگلاپدیا/شاه پران). او پیام هدایت را در نقاط مختلف *سیلت* (Sylhet)، به ویژه در *ایتا* (Ita)، *لنگلا* (Langla) و *هبی‌گنج* (Habiganj) ابلاغ کرد (East pakistan District Gazzetters/Sylhet). برطبق مشهور تاریخ‌نویس *مومن الحق* اعتقاد و فرهنگ اسلام توسط شاه پران در بخش سیلهت

و در نقاط مختلف هند ترویج و گسترش یافته بود (مومن الحق، ۲۰۰۱: ۶۹). فصاحت و توانایی حضرت شاه پران بی‌نظیر بود و او موفقیت بزرگی در هدایت مردم نشان داد. به همین خاطر به دستور حضرت شاه‌جلال در منطقه *خادم نگر* (Khadim Nagar) - شش مایل شرق سیلهت- خانقاه خودش را تأسیس کرد (همان). تا آخر عمر از همانجا به تبلیغ اسلام پرداخت و آخرین نفس خود را به هوا سپرد، ولی سال وفات او را نمی‌توان به طور دقیق مشخص کرد (چودهوری، ۲۰۰۴). پلی بر روی رودخانه سورما (Surma)، کشتی مسافربری (passenger ferry) و خوابگاهی در دانشگاه علم و صنعت شاه‌جلال سیلهت، به نام شاه پران نام‌گذاری شده‌اند (East Pakistan District Gazzetters/Sylhet).

حضرت میر سید علی تبریزی (ره)

حضرت میر سید علی تبریزی، معروف به *سید علی داماد*، (۱۲۷۵-۱۳۶۶ میلادی) در شهر تبریز ایران به دنیا آمد (fa.wikishia.net/Sayed_Ali_Tabrizi). وی از فقیه‌های امامیه (Imami jurists) قرن چهاردهم میلادی است (همان). وی از شاگردان *سید حسین کوه کمری*، *میرزا حبیب الله رشتی*، *شیخ محمد هادی تهرانی* و *محمد حسن ممقانی* بوده است (همان). او در قرن چهاردهم میلادی به سرزمین بنگال (کنون بنگلادش) آمد و در شهر دهمرای (Dhamrai) در ناحیه داکا ساکن شد (سقلاین، ۲۰۰۳: ۴۹). ابو مظفر فاتح شاه آن موقع سلطان بنگال بود (چشتی، ۱۹۸۷: ۹). کتیبه‌های کشف شده که در زمان سلطان فاتح شاه (۱۴۶۲م) حک شده بود مؤید این اطلاعات است (همان). سید علی تبریزی در گسترش اسلام در مناطق اطراف داکا نقش مهمی داشت. او در دهمرای درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد (The Chittagong University Journal of Arts and Humanities, 2012:287). مقبره‌ی او هنوز آنجا وجود دارد.

حضرت شیخ جاهد الحسینی ایرانی (ره)

وی در سال ۱۳۹۵ میلادی در سرزمین ایران به دنیا آمد (احمد، ۲۰۰۴: ۶۸). وی در زمان صوفی معروف حضرت شاه بدر (ره) به استان چتوگرام(چاتگام) بنگلادش آمد و به تبلیغ اسلام پرداخت. او را سردار *دوازده اولیای چتوگرام* می‌نامند (همان: ۶۹). حضرت شیخ جاهد الحسینی (رض) در سال ۱۵۲۵ میلادی (۹۳۶ هجری قمری) در ۱۳۰ سالگی در جایی بنام *بارو تکیه* (Baro Takiya) در *میرسرای* (Mirsarai) چتوگرام درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد (همان: ۷۰). قبر او بعداً به زیارتگاه تبدیل شد. هنگام آمدن به

بنگلادش تنها پنج نفر او را همراهی می‌کردند که ردیف قبورشان جلوی درگاه اوست. در حرمش قایق بزرگی هم هست. اعتقاد بر این است که او بدین قایق به بنگال آمده بود (همان).

حضرت شاه بلخی (ره)

حضرت شاه بلخی اهل شهر بلخ ایران بود. او به قصد تبلیغ اسلام شاگرد حضرت *شاه ملک یمنی*(Hazrat Shah Malek Yemeni) شد و به سرزمین دوردست بنگلادش آمد و در داکا ساکن شد (سقلاین، ۲۰۰۳: ۴۵). او در نقاط مختلف داکا به تبلیغ اسلام پرداخت. بسیاری از خانواده‌های هندو تحت تأثیر شخصیت بزرگوار و دانش عمیق او به اسلام گرویدند. آرامگاه او هنوز در گوشه جنوب شرقی ساختمان‌های عدن (Eden Buildings) در داکا وجود دارد (احمد، ۱۹۷۴: ۱۱۳).

مشارکت صوفیان در زندگی معنوی بنگلادش

«اسلام به عنوان یک ایدئولوژی تمدن‌سازی معرفی شد که هم با سکونت و آباد کردن سرزمین و هم با ساختن واقعیتی متعالی مطابق با آن فرآیند همراه است.»
(ایتون، ۱۹۹۳: ۲۲۶)

سرزمین فارس زادگاه تصوف بود یا می‌توان گفت که صوفیسم در ایران رونق گرفت (بنگلاپدیا/صوفیباد). قدیم‌ترین کتیبهٔ شناخته‌شدهٔ مسلمانان در بنگال، ساختن خانقاهی را توسط فقیری- که پدرش در مراغه ایران به دنیا آمد- ثبت کرده است (ایتون، ۱۹۹۳: ۱۱۷). تاریخ آن به ۲۹ ژوئیه ۱۲۲۱م برمی‌گردد و در ناحیه بیر بهوم (Birbhum) در بنگال غرب کنونی در هندوستان، از ویرانه‌های معبدی هندو تراشیده شده بود (همان). اسلامی که الگوی اجتماعی و مذهبی بنگال را به کلی تغییر داده است در پی تسلط ترک‌ها در اوایل قرن سیزدهم با پیروزی بختیار خلجی به وجود آمد (اسماعیل، ۱۹۸۹). *دکتر جی ان سرکار* (Dr. J.N. Sarkar) این واقعه را به درستی مشاهده کرده است که صوفیسم از نظر سیاسی بذر حکومت مسلمانان را در آنجا کاشت و از نظر اجتماعی در منطقه بنگال را به روی مهاجران خارجی از کل جهان اسلام گشود (سرکار، ۱۹۱۳). بنگال سرزمین بارور برای شکوفایی تصوف بود. در قرون اول و دوم هجری، تعداد زیادی از صوفیان مسلمان عرب، ایران و ترک برای گسترش اسلام و همچنین با هدف تجارت به بنگلادش آمده بودند (اسماعیل، ۱۹۸۹). با افزایش نسب

آنها، تعداد مسلمانان در بنگلادش نیز افزایش یافت. یعنی بیشتر مسلمانان بنگلادش از نوادگان آن صوفیان و اولیا هستند (همان).

طرح‌های زندگینامه صوفیان نشان می‌دهد که آنها، با طریق ایمان اسلامی و عمل عرفان و تصوف، پیشگامان واقعی در ساختن زندگی روحانی و معنوی بنگلادش بودند. در دوران باستان، بهاکتیسم (*Bhaktism*) هندو، فلسفهٔ شاهوجیا (Sahajiya) بودایی و دین عشق وایشنا (Vaishnav) در بنگال برای مدت طولانی وجود داشت (عبدالوهاب، ۱۹۹۹: ۹۱). همزمان با گسترش سریع تصوف در بنگال، فیلسوفان هندوئیسم نیز در تلاش برای گسترش عقاید خودشان بودند (همان: ۹۲). پیروان صوفی با نفوذ ایدئولوژی لیبرال هندو و بودایی بنگال نسبت به پیروان شمال هند آزادتر شدند (همان). در نتیجه، یک ایدئولوژی لیبرال عشق به نام "*باول*"(Baul) در بنگال محبوب‌تر شد که تأثیر زیادی بر فرهنگ و ادبیات بنگلادش دارد (همان: ۹۳). برطبق نظر بسیاری از محققان، جنبش هندو باکتیسم با نفوذ مستقیم تصوف در بنگال بسیار محبوب شد، تا حدی که تأثیر «سماع» صوفیان در سرود سری چایتانیا (Sri Chaitanya) وجود دارد (همان: ۹۶). در دوره‌های میانه، تأثیر تصوف در ترانه‌هایی عامیانه‌ی بنگال مانند *مرشیدی* (Murshidi)، *مرفاتی* (Marfati)، *بهاتیالی* (Bhatiali)، *مایزبهندری* (Maizbhandari) و غیره دیده می‌شود، که بر اساس زندگی صوفیان مقدسین سروده شده‌اند (بیسواس، ۲۰۱۶: ۱۶۷). این ترانه‌ها تا امروز بخش زندگی معنوی روستایی بنگلادش هستند.

تأثیر واقعی تصوف در بنگال از آغاز قرن سیزدهم شروع شد (المسعود، ۲۰۱۷: ۱۲۱). صوفیان بنگال به خاطر سادگی زندگی، قوت شخصیت، وفاداری به ایمان و فعالیت‌های مسالمت‌آمیز شهرت داشتند. فعالیت‌های صوفیان درون خانقاه‌شان محدود نبود، بلکه آنها جان خودشان را در راه و خدمت اسلام و بشریت وقف کرده بودند. اخلاق صمیمانه و پر احترام آنها با غیر مسلمانان، مشارکت در کارهای انسان‌دوستانه به آنها کمک کرد تا ایمان دین خود را تبلیغ کنند. همچنین حمایت مستمر سلاطین بنگال به موفقیت آنها کمک کرد. تأثیر تصوف حتی بر سبک زندگی مدرن ما بسیار است. حتی پس از کسب برتری در فناوری و علم، زندگی شخصی و اجتماعی ما امروز پر از هرج و مرج است. عمل به قواعد مسالمت آمیز تصوف می‌تواند کمکی مفید و منحصر به فرد برای فرار از چنین زندگی می‌باشد. زیرا با این کار، دستیابی به آرامش معنوی برای مردم آسان خواهد بود و افراد بردبار و بی‌طمع جامعه‌ای پاک و دولتی با ثبات را تشکیل خواهند داد.

نتیجه‌گیری

ایمان ساده به خدای یگانه حبیب و مهربان، همراه با چند عمل آسان و اصول اخلاقی- فلسفه‌ی تصوف است. تصوف پل هماهنگی میان مسلمان و زندگی معنوی اوست. صوفیان هماهنگ کنندهٔ این جریان هستند. منطقه فارس(ایران) مرکز تصوّف بود. ایدئولوژی صوفیانه که در بنگلادش ریشه‌دار شده است تا حد زیادی توسط صوفیان ایرانی آمده است. این صوفیان بزرگوار و دانشمند ایرانی مهم‌ترین نقش را در برقراری صلح و نظم در زندگی معنوی مردم بنگلادش داشته‌اند. در حالی که شرایط مذهبی و اجتماعی مردم این کشور پر از نفرت و استبداد نژادپرستی هندویان بود، صوفیان حامل پیام اسلام به اینجا آمدند. به دست مقدس صوفیان، هماهنگی و اتّحاد جمعی در بین مردم بنگلادش گسترش یافته بود. افکار صوفیان صرف گسترش اسلام نبود، بلکه گسترش ارزش‌هایی معنوی در جامعه بود. سرانجام بحث ما به این نتیجه می‌رسد که تصوف نقشی حیاتی در ترویج هماهنگی و سازگاری مذهبی در بنگلادش داشته است؛ و آن صوفیان و اولیان بزرگ که با فداکاری پیام پاک تصوف را از ایران به سرزمین دور بنگال رسانده‌اند، نام و سهم‌شان در تاریخ بنگلادش جاودانه خواهد ماند.

فهرست منابع

احمد، رشید (۱۹۷۴). *بنگلادشِ صوفی شادهوک* [صوفیان بنگلادش]. داکا: مُدَرن لایبریری

[illegible] (۲۰۰۴). *چاتوگرامِ صوفی شادهوک* [صوفیان چاتوگرام]. داکا: دیشا بروکاشونی

اسماعیل، محمد (۱۹۸۹). *Development of Sufism in Bengal* (Doctoral dissertation) [توسعه تصوف در بنگال (رساله دکتری). پی دی اف. هند: دانشگاه مسلیم عالی‌گر

الاحسن، عبدالله (۱۹۹۴). Spread of Islam in pre-Mughal Bengal [گسترش اسلام در بنگال قبل از مغول]. مجله *گفتمان‌های فکری* (*Intellectual Discourse*)، جلد ۲، شماره ۱، ۱۹۹۴. مالزی: دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی

المسعود، عبدالله (۲۰۱۷). The Contributions of Sufism in Promoting Religious Harmony in Bangladesh [سهم تصوف در ترویج هماهنگی مذهبی در بنگلادش]. مجلهٔ اصول الدین، جلد ۴۵.

انعام الحق، محمد (۱۹۳۵). *بانگِ صوفی پروباب* [تأثیر صوفیان در بنگال]. هند: کلکته

_____ (۱۹۷۵). *A history of Sufism in Bengal* [تاریخ تصوف در بنگال]. داکا: انجمن آسیایی بنگال

ایتون، ریچارد ام (۱۹۹۳). *The Rise of Islam in the Bengal Frontier* [ظهور اسلام در مرز بنگال]. بَرکلی: انتشارات دانشگاه کالیفورنیا

ایتون، ریچارد ام (۲۰۰۱). *Who are the Bengal Muslims? Conversation and Islamization in Bengal* in *Understanding the Bengal Muslims* [مسلمانان بنگال چه کسانی هستند؟ گفتگو و اسلام سازی در بنگال، در شناخت مسلمانان بنگال]. انگلستان: انتشارات دانشگاه آکسفورد

عزّتی، ای (۲۰۰۲). *The Spread of Islam: the Contributing Factors* [گسترش اسلام: عوامل مؤثر]. لندن: انتشارات دانشکده اسلامی برای مطالعات پیشرفته

بیسواس، سوبهاس (۲۰۱۶). *Sufism in India: Interpretative Essays* [تصوف در هند: مقالات تفسیری]. کلکته: انتشارات آشادیپ

چشتی، شاه محمد بخت (۱۹۸۷). *بنگلادشِر صوفیبادِر دیشاری زَرَ* [پیشگامان تصوف در بنگلادش]. داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

چودهوری، آچهوت چَرَن (۱۹۹۵). *History of Shrihatta East: Darvesh Shahjalal* [تاریخ سری حاتّوی شرق: درویش شاه‌جلال]. بخش ۲، جلد ۲. داکا: انتشارات اوتشو

چودهوری، دیوان نور الحسین (ویراستار) (۲۰۰۴). *آمَدِر صوفیای کرام* [صوفیان محترم ما]. داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

خان، ک. دی (۲۰۰۴). *خواجه معین الدین چشتی: ارتباط اجتماعی و تربیتی*. ISBN-10 : 8176255157.

خاتون، حبیبه (۲۰۰۶). *Iqlim Sonargaon: history, jurisdiction, monuments* [اقلیم شونارگاون: تاریخ، حوزه قضایی و بناهای تاریخی]. آکادمیک پرس و پَبلیشَرس لایبریری

خلیل، دکتر محمد ابراهیم (۲۰۱۳). *صوفیباد ایونگ پرودان پرودان صوفی و تادِر اوبودَن* [تصوف و صوفیان عمده و سهم آنها]. داکا: انتشارات مِریت فیار

دولی، لبلی اکتر (۲۰۰۱). *بنگلادش صوفی درشانِر روپریکها* [طرح فلسفه صوفی در بنگلادش]. داکا: انتشارات صفا

رضوی، اطهر عباس (۱۹۸۶). *A History of Sufism in India* [تاریخ تصوف در هند]. هند: دهلی نو

رفیق الاسلام، محمد (۲۰۰۹). Islam in Bangladeshi Society [اسلام در اجتماع بنگلادش]. مجله مطالعات فرهنگی جنوب آسیا؛ جلد ۲، شماره ۲، ۲۰۰۹. ISSN: 2307-4000

سرکار، جی ان (۱۹۱۳). *Chaitanya's Pilgrimages and Teachings*. هند: کلکته

سقلاین، غلام (۲۰۰۳). *بنگلادشِر صوفی شادهوک* [صوفیان بنگلادش]. داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

شاه ، محمد خادم حسن (۲۰۰۹). *معین الارواح*.

عبد الرشید، دکتر فقیر (۱۹۸۰). *صوفی دَرشَن* [فلسفه تصوف]. داکا: پروگرسیب بوک کارنر

عبد الغنی، محمد (۱۹۴۱). *Pre-Mughal Persian in Hindustan* [فارسی قبل از مغول در هندوستان]. الله آباد: انتشارات مجله حقوق الله آباد

عبد الکریم (۱۹۹۴). *مسلیم بنگلَر ایتیحَش و اَیتیزّو* [تاریخ و میراث بنگال مسلمانان]. داکا: بنگلا آکادمی

ـــــــــــــــ (۲۰۰۶). *بنگلَر موسلیمدِر شاماجیک ایتیهَش* [تاریخ اجتماعی مسلمانان بنگال]. داکا: کاکولی

عبد الوهاب، دکتر (۱۹۹۹). بنگلار باول: صوفی شادهونا و شنگیت [باول بنگال: تمرین و موسیقی صوفیانه]. کلکته: راتنابَلی

عبید الحق، محمد (۱۹۶۹). *بنگلادشِر پیر اولا یاگان* [پیر و اولیان بنگلادش]. فنی: رشید و برادارس

علی، محمد موهر (۱۹۸۵). *History of the Muslim Bengal* [تاریخ بنگال مسلمان]. الریاض: دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود

مومن الحق، محمد (۲۰۰۱). *History of Sylhet Division: Shah Jalal's Companions in Sylhet District* [تاریخ ناحیه سیلت: یاران شاه‌جلال در سیلهت].

The Chittagong University Journal of Arts and Humanities [مجلهٔ هنر و علوم انسانی دانشگاه چاتوگرام] (۲۰۱۲). Analysis Arrival of Persian Sufis in Bengal: Historical [ورود صوفیان ایرانی به بنگال: تحلیل تاریخی]. جلد ۲۹.

Websites:

www.britannica.com/topic/Sufism
www.encyclopaedia islamica.com/ *Chishtiyya*
www.iranicaonline.org/ BESṬAMI, BAYAZID
www.fa.wikishia.net/Sayed_Ali_Tabrizi
www.banglapedia.com/sufibad